

حقایق تاریخ پهلوی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

دکتر محمدحسین کاظمی*

مقدمه

امام خمینی علیه السلام بیان وقایع و سرگذشت ملت را ضروری می‌دانست و باور داشت همواره در هر عصری باید تاریخ‌نگاران و مورخانی امین، تجربه‌ها و داده‌های تاریخی آن دوران را بیان کنند؛ زیرا اگر تاریخ به‌درستی ثبت نشود یا ناقص ثبت شود، نسل‌های آینده در بازشناسی و بازیابی هویت و فرهنگ خود، به مشکلات فراوانی برخورد خواهند خورد؛ چنانچه فرمودند:

آنچه را امروز برای ما روشن و واضح است برای نسل‌های آینده مبهم می‌باشد؛ و تاریخ، روشن‌گر نسل‌های آینده است و امروز قلم‌های مسموم درصدد تحریف واقعیات هستند، باید نویسندگان امین این قلم‌ها را بشکنند.^۱

امام راحل علیه السلام در سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود معمولاً برای تبیین مطالب و پیام‌های خود از روایت‌های تاریخی استفاده می‌کردند و به مطالعه مستمر آثار تاریخی و الگوگیری و عبرت‌پذیری از آنها می‌پرداختند. ایشان بارها مسلمانان و دولت‌های اسلامی را به عبرت‌گرفتن از تجربه‌های عصر استعمار و انحطاط و نیز سقوط سلطنت پهلوی فرا می‌خواندند:

تاریخ باید سرمشق ما باشد و ما وقتی که تاریخ را نگاه می‌کنیم، تحولاتی که پیدا شده است در اسلام و در مسلمین، هر جا که ... مردم و مسلمین به قوت ایمان حرکت می‌کردند، نصر با آنها همراه بوده است. و هر وقت برای رسیدن به آمال دنیایی بوده است، نصر از آنها فرار می‌کرده است.^۲

امام خمینی علیه السلام همچنین اهتمام ویژه‌ای به سرگذشت مردم و کشور در عصر پهلوی داشت و در

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دکتری تاریخ اسلام.

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۳۴.

۲. همان، ج ۷، ص ۶۷.

مناسبت‌های مختلف می‌کوشید گوشه‌هایی از آن دوران را برای مردم بیان کند؛ اما هدف ایشان از بیان وقایع آن دوران تنها ذکر سرگذشت کشور نبود، بلکه در نظر داشت مصیبت‌های آن دوران را برای مردم بیان کند. ایشان در این باره می‌فرمایند: «ما در طول پنجاه سال سلطنت سیاه پهلوی مصیبت‌هایی دیدیم، ما دیدیم و شما بعضی‌تان شنیدید»^۱ تا به این ترتیب برای کسانی که مسائل آن دوران را از یاد برده‌اند، یادآوری شود^۲ و جوانان نیز تصور درستی از آن دوران به دست بیاورند. از سوی دیگر وقایع دوران پهلوی به‌مثابه یک تجربه زیسته برای امام خمینی علیه السلام بود که بیان آن به تقویت حافظه جمعی مردم کمک می‌کرد. ایشان در این باره فرمودند:

شما می‌دانید که در ظرف پنجاه و چند سال در ایران چه گذشت. مسلماً همه شما شاهد نبودید، از باب اینکه جوان هستید اغلب؛ لکن من از همان زمان، از کودتای رضاخان تا امروز، شاهد همه مسائل بوده‌ام.^۳

۱. تأسیس حکومت پهلوی با کودتا

یکی از مهم‌ترین مسائلی که امام خمینی علیه السلام در روایت خود از دوران پهلوی به آن توجه داشت، شیوه تأسیس حکومت پهلوی بود. بنیان‌گذار انقلاب اسلامی با اشاره به کودتای منجر به قدرت‌رسیدن رضاخان و نقش نداشتن مردم در آن فرمودند:

اول که رضاخان آمد روی کار، با کودتا آمد و تهران را گرفت و همه کارهایی که رضاخان کرد، کارهای سرنیزه‌ای بود. اصلاً به ملت کسی اعتنا نداشت؛ چنانچه حالا هم به ملت اینها [پهلوی دوم] اعتنا ندارند.^۴

رهبر کبیر انقلاب علیه السلام مجلسی را که رأی به خلع حکومت قاجار و تأسیس سلطنت پهلوی داد، مجلسی ساخته شده از زور و غلبه رضاخان می‌دانست که برای همین کار تعیین شده بود؛ نه مجلسی برخاسته از آرا و اراده مردم که منافع ملت را در نظر بگیرد. ایشان در این باره فرمود:

با سرنیزه مجلس درست کرد. این مجلسی که او درست کرد، برای اینکه خلع قاجاریه را بکند و خودش به سلطنت برسد، یک مجلسی نبود که به مردم ارتباط داشته باشد.

۱. همان، ج ۱۸، ص ۳۱۹.

۲. همان، ج ۸، ص ۲۹۲-۲۹۳.

۳. همان، ج ۷، ص ۲۴۹.

۴. همان، ج ۵، ص ۶۱.

مردم اطلاعی از آن نداشتند، کاری به آن نداشتند.^۱ ایشان همچنین به سلطنت رسیدن محمدرضا پهلوی را تحمیلی از سوی متفقین معرفی می‌کنند؛ زیرا مردم به علت رفتار سوء رضاخان حاضر به پذیرش پسرش در جایگاه شاه نبودند؛^۲ اما متفقین پس از اشغال ایران در انتهای جنگ جهانی دوم و تبعید رضاخان از کشور با استفاده از قدرت خود موفق به این کار شدند.

۲. تظاهر به دین‌داری و وطن‌دوستی

امام خمینی علیه السلام به رفتار متظاهرانه شاهان پهلوی حساس بود و در سخنان خود برای مردم این تظاهرها و انواع آن را روشن کرد. در بیان ایشان تظاهر رضاخان بیشتر حول مسائل مذهبی بود و به دوران قبل از سلطنت اختصاص داشت.^۳

رضاخان اولی که وارد شد، البته با صورت اسلامی وارد شد و در مجالس تعزیه‌داری و در مجالس روضه و در تکیه‌ها در ماه محرم راه می‌افتاد دور و تکیه‌ها هم می‌رفت؛ ابتدا این طوری، با این اسلحه پیش آمد. بعد از اینکه قدرتش محکم شد و توانا شد، شروع کرد به کارهایی که مأمور بود.^۴

در نگاه امام علیه السلام، رفتار متظاهرانه در دوران پهلوی دوم نیز ادامه داشت و محمدرضا پهلوی کوشید با انجام برخی از امور مذهبی مانند نماز، چاپ قرآن، حج و زیارت سیمایی مذهبی از خود نشان دهد؛ تا رفتارش در نظر مردم رنگ‌وبوی اسلامی پیدا کند. امام خمینی علیه السلام پس از دریافت این رویکرد دستگاه پهلوی، آن را این‌گونه به آگاهی مردم می‌رساند: «لکن رضاخان دیگر خودش را نمی‌چسباند به اسلام و به قرآن و به احکام مبین اسلام؛ دیگر ریاکاری نمی‌کرد. سرنیزه بود و می‌زد و می‌رفت».^۶

رهبر کبیر امت علیه السلام ادعای وطن‌دوستی و خدمت‌رسانی سلطنت پهلوی به کشور را که در قالب چاپ کتاب مأموریت برای وطنم (۱۳۴۹ ش) تبلیغ می‌شد را از نظر مردم مردود

۱. همان، ج ۴، ص ۲۰۵.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۳۲.

۳. همان، ج ۱۱، ص ۴۵۳.

۴. همان، ج ۱۰، ص ۲.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۰.

۶. همان، ج ۳، ص ۴۹۰.

می دانست:

هیاهو، به اینکه من مامور خدمت به وطنم هستم و کتاب مأموریت برای وطنم را نوشت و آن همه هیاهو راجع به ترقیات ملت و ترقیات اینها، خب مردم هم می دیدند که همه آن غلط است.^۱

امام خمینی علیه السلام تنها به بیان این تظاهر بسنده نمی کرد و درصدد بیان علت این تظاهر بود؛ زیرا می دانست حکومت پهلوی تا زمانی که نیاز داشته باشد، به فریب افکار عمومی جامعه می پردازد. ایشان این سیاست دستگاه سلطنت را این گونه بیان فرمود: «و از این مسائل می خواست مردم را گول بزند. و گاهی هم یک دسته ای را گول می زد. کم کم دیگر خودش را محتاج به گول زدن نمی دید، شروع کرد به اعمال قدرت کردن».^۲

۳. دیکتاتوری حکومت پهلوی

امام خمینی علیه السلام سلطنت پهلوی در ایران را حکومتی قانونی نمی دید که در آن وکلای مردم در انتخاباتی صحیح به مجلس راه یابند و بر اساس قوانین به اداره امور کشور بپردازند، بلکه ایشان برگزاری انتخابات و تأسیس مجالس را امری در کنترل عوامل حکومت می دانست که در آن جز مواردی اندک، وکلا توسط حکومت تعیین می شدند و به همین علت قانونی بودن مجلس و مصوبات آن را نپذیرفته بود و فرمود:

تمام قوانینی که در این پنجاه سال گذشته است و تمام مجالسی که در این پنجاه سال تأسیس شده است، هیچ یک از اینها مطابق قوانین نبوده است. هیچ مجلسی تا کنون ما نداشتیم که موافق قوانین باشد... آرا را شبها درست می کردند و پر می کردند این صندوقها را از آرای آئی را که دلشان می خواست. یک مجلسی که همه وکلای آن ملی باشند و در مقدرات مملکت ما بخواهند دخالت کنند و مصالح و مفاسد را تشخیص بدهند، ما نداشتیم از اول.^۳

افزون بر اینکه مردم دخالت چندانی در امور مجلس و حکومت نداشتند، مجالی نیز برای بیان سخنان خود در فضای جامعه نمی یافتند تا بتوانند دیدگاهها و انتقادهای خود را بیان کنند و اگر

۱. همان، ج ۱۱، ص ۴۵۵.

۲. همان.

۳. همان، ج ۵، ص ۳۱۶.

کسی جرئت انتقاد پیدا می‌کرد، متحمل فشارهایی مانند زندان و شکنجه می‌شد^۱ و این مسئله برای تمام اقشار جامعه یکسان بود.^۲ امام علیه السلام بارها وضعیت اختناق و عدم آزادی عصر پهلوی را برای مردم بیان فرمود:

ما و شما همه دیدید که در زمان این پدر و پسر آن اختناق بود که شاید در طول تاریخ ایران سابقه نداشت. نه مرد آزاد بود، و نه زن. همه در اختناق بودند؛ همه در رنج بودند.^۳

فضای اختناق تنها به بازداشت و شکنجه مخالفان و منتقدان خلاصه نمی‌شد و در مواقعی ارتش، شهربانی و ژاندارمری برخلاف وظیفه ذاتی خود که حفظ نظم و آرامش جامعه و برقراری امنیت مردم بود، دست به سرکوب و کشتار مردم می‌زد.^۴ امام علیه السلام رفتار حکومت در قبال مردم را این‌گونه بیان فرمود: «ما که سمنان به کهولت رسیده است، مُشاهد این سیاه‌بختی‌های مردم و این جنایات و این کشتارهایی که این قداره‌دارهای غیر صالح انجام دادند [بودیم]».^۵

۴. مقابله با دین

امام خمینی علیه السلام در جایگاه عالمی دینی در دوران پهلوی اول و بعدها در جایگاه مرجع تقلید در عصر پهلوی دوم، بیشترین حساسیت را دربارهٔ مسائل دینی و فرهنگی عصر پهلوی مورد توجه قرار داد. ایشان مقابله با آثار دین را یکی از اهداف رضاخان می‌شمرد و در این باره فرمود:

محو آثار شریعت را می‌خواست بکند. البته موفق نشد، اما بنا بر این بود؛ برای اینکه هر صدایی که از آن بوی اسلام می‌آمد، هر تبلیغی که از آن بوی اسلام می‌آمد، در آن بسته شده بود.^۶

بنیان‌گذار انقلاب علیه السلام معتقد بود اسلام در جامعهٔ ایرانی باعث زنده‌بودن کشور و محرک اعتراض در برابر کج‌رفتاری‌های حکومت است و مقابلهٔ حکومت پهلوی با اسلام ریشه در همین کاربرد

۱. همان، ج ۴، ص ۱۱۵ و ص ۲۰۵-۲۰۶؛ نیز: ج ۱۱، ص ۴۵۶.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۳۱۹.

۳. همان، ج ۷، ص ۳۳۱.

۴. همان، ج ۶، ص ۵۱۲؛ نیز: ج ۱۲، ص ۴۰۱.

۵. همان، ج ۳، ص ۲۹۸.

۶. همان، ص ۳۳.

اسلام در جامعه ایران دارد.^۱

ایشان به تفصیل وقایعی که نشان از رفتار غیر دینی و مقابله پهلوی با مظاهر دین‌داری در جامعه بود را بیان کرد و مردم را در مورد آنها آگاه کرد که در ادامه به برخی از موارد مورد تأکید امام خمینی علیه السلام می‌پردازیم.

۴-۱. مقابله با سازوکار تبلیغ دین

یکی از کارهایی که حکومت پهلوی در ابتدای حکومت خود انجام داد، مقابله با سازوکار تبلیغ دین در کشور بود. گذشت که رضاخان در ابتدای مطرح‌شدن خود در ایران، با تظاهر به دین‌داری و حضور در مراسم‌های مذهبی تلاش کرد سیمایی دین‌دار از خود به جامعه معرفی کند؛ اما این روند پس از استقرار او در قدرت در جایگاه شاه ایران ادامه نداشت و مسیر دیگری در پیش گرفت و کوشید مظاهر دین‌داری در ایران را کم‌رنگ کند. او برای نیل به این مقصود، سازوکار تبلیغ دین در ایران را هدف گرفت و برگزاری مراسم‌های عزاداری برای اهل بیت علیهم‌السلام را ممنوع اعلام کرد.^۲ امام خمینی علیه السلام آن دوران را این‌گونه ترسیم می‌کند:

یک رشته هم جلوگیری از منابر و جلوگیری از روضه‌خوانی و خطابه به هر عنوان. در تمام ایران، شاید گاهی اتفاق افتاد که عاشورا يك مجلس نداشت. بعضی از اشخاصی که يك قدری مثلاً جرئت داشتند، نصف شب، آخر شب، سحر مجلس داشتند که اول اذان مثلاً تمام بشود. همه ایران را از این فیض و از اینکه حتی ذکر مصیبتی بشود، ذکر حدیثی بشود، محروم کردند.^۳

مقابله با سازوکار تبلیغ دین توسط حکومت پهلوی، تنها به ممنوعیت و محدودیت مجالس دینی خلاصه نمی‌شد و شامل فشار بر متصدیان دین در جامعه ایران نیز می‌شد که به این ترتیب روحانیت و حوزه‌های علمیه هدف این فشارها قرار می‌گرفتند. در نگاه امام خمینی علیه السلام فشار بر روحانیت در عصر پهلوی به‌ویژه دوران رضا خان دو علت اصلی داشت:

نخست: تا زمانی که عالمان و روحانیون در کشور آزادی عمل دارند، امکان ضربه‌زدن به دین وجود ندارد. ایشان در این‌باره فرمود: «برای آنها مقصد آخوند نبود؛ مقصد اسلام بود.

۱. همان، ج ۴، ص ۳۹۲.

۲. نک به: اسناد ممنوعیت عزاداری محرم در دوره پهلوی، آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سندنامه شماره ۱۴.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۰۰.

می دیدند که تا اینها هستند، اسلام را نمی شود از بین برد؛ باید اینها را از بین برد، بعدش اسلام را از بین برد»^۱.

دوم: روحانیت در دوران معاصر تبدیل به سدی در برابر ضربه های دشمنان و بیگانگان به مردم و کشور شده بودند و ضمن هشدار دادن، در برابر هر خطری واکنش نشان می دادند؛ به همین دلیل حکومت در صدد محدودیت آنها برآمد. امام خمینی علیه السلام در این باره می فرماید:

دیده بودند، لا اقل این صد سال را درست دیده بودند که هر وقت که بنا بود یک شکستی به ملت بیاید، روحانیت جلویش را می گرفت. یک شکستی به کشور بیاید، روحانیت جلویش را می گرفت.^۲

به دلیل آنکه حکومت پهلوی هدف خود از فشار بر روحانیت را به روشنی بیان نمی کرد و فشارهای خود را تحت لوای ترقی و اصلاح امور پنهان می کرد؛ امام راحل علیه السلام نیز این سخنان حکومت را تنها تبلیغات برای مخفی کردن نیت حکومت قلمداد می کرد.^۳

در راستای این فعالیت های حکومت پهلوی فشارهایی بر روحانیت و حوزه های علمیه وارد شد که از بین بردن مدارس علمیه،^۴ ممنوعیت استفاده از لباس روحانیت،^۵ محروم کردن از برخی خدمات اجتماعی^۶ و تلاش برای اختلاف افکنی میان حوزویان و دانشگاهیان از آن جمله است. در اندیشه بنیان گذار علیه السلام، وحدت بین تمام اقشار جامعه از اهمیت بالایی برخوردار بود و ایشان همواره از کلیدواژه «وحدت کلمه» استفاده می کرد و وحدت میان حوزه و دانشگاه را می توان در همین چارچوب ارزیابی کرد؛ از این رو طبیعی است مسئله اختلاف افکنی میان حوزه و دانشگاه نیز با واکنش امام خمینی علیه السلام مواجه شود و این گونه به اظهار نظر پردازد:

به ما می آمدند این طوری تزریق می کردند که اینها [دانشگاهیان] یک دسته بی دین و ریش تراش و فکلی. به شما می آمدند از آن طرف می گفتند اینها [روحانیون] یک دسته

۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۲۰.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۴۵۴.

۳. نک به: سیدروح الله موسوی خمینی، کشف اسرار، ص ۳۳۰-۳۳۱؛ همو، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۵۳.

۴. سیدروح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۹۲.

۵. همان، ج ۴، ص ۳۹۲.

۶. مانند ممنوعیت استفاده روحانیان از حمل و نقل عمومی؛ نک به: سیدروح الله موسوی خمینی، صحیفه

امام، ج ۱۰، ص ۱۲۰.

انگلیسی‌اند.^۱

۲-۴. کشف حجاب ۱۳۱۴ش

قضیه کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ شمسی اتفاق افتاد که در آن استفاده از چادر و روبنده برای زنان ممنوع شد و اگر بانویی در سطح جامعه از این حجاب استفاده می‌کرد، مأموران حکومت با اعمال خشونت حجاب او را برمی‌داشتند.^۲

امام خمینی علیه السلام این اقدام را در راستای دورکردن زنان جامعه از خدمت‌گذاری به کشور معرفی کرد تا به این ترتیب زنان از تربیت اسلامی ایرانی فرزندان خود بازمانند و نتوانند نسلی برای اداره صحیح جامعه تربیت کنند؛ امام راحل در این باره می‌فرماید:

دیدیم که قضیه کشف حجاب، قضیه‌ای نبود که اینها بخواهند برای خانم‌ها خدمت بکنند، اینها می‌خواستند که این طبقه [را] هم با زور و با فشار نابود کنند. آن مآثری که اینها دارند، آن خدمت‌هایی که این قشر می‌توانند به ملت بکنند، آن خدمت‌های ارزنده‌ای که بانوان ما عهده‌دار آن هستند، از دست‌شان گرفته بشود و نگذارند اینها آن خدمت اصیلی که باید بکنند و آن تربیت بچه‌ها، که بعدها مقدرات مملکت به دست آنهاست، اینها نگذارند که این خدمت انجام بگیرد؛ مبدا بچه‌ها در دامن اینها تقوا پیدا بکنند؛ در دامن اینها تربیت اسلامی بشوند؛ تربیت ملی بشوند.^۳

امام علیه السلام به اعتراض‌های عالمان بزرگ ایران از جمله حاج آقا حسین طباطبایی و شیخ عبدالکریم حائری به مسئله کشف حجاب می‌پرازد و بیان می‌کند اعتراض حاج آقا حسین طباطبایی منجر به حبس ایشان در حرم عبدالعظیم حسنی علیه السلام و سپس تبعید ایشان از ایران شد^۴ و اعتراض شیخ عبدالکریم حائری نیز با بی‌توجهی رضا خان مواجه شد.^۵ ایشان همچنین تبلیغاتی که بر علیه روحانیت در قضیه کشف حجاب شد را برای مردم بیان می‌کنند.^۶

۱. همان، ج ۱۲، ص ۲۴.

۲. محمدرضا پهلوی، مأموریت برای وطنم، ص ۳۱۶؛ محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ص ۱۷۶.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۱.

۴. همان، ج ۸، ص ۴۵۸.

۵. همان، ج ۱۶، ص ۱۳۷.

۶. همان، ج ۷، ص ۳۳۱.

۳-۴. برنامه‌هایی برای انحطاط نسل جوان

امام خمینی علیه السلام می‌دید که مراکز فساد در عصر پهلوی به سرعت در حال رشد و توسعه هستند تا جوانانی که نیروهای فعال جامعه و آینده‌سازان کشور هستند را از به انحراف بکشانند. ایشان با توجه به اینکه این مراکز بیش از دیگر مراکز فرهنگی مانند کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها یافت می‌شوند، به وجود آنها هشدار داد و این مسئله را از کارها و برنامه‌های حکومت پهلوی برشمرد:

یک کار دیگر هم که آنها می‌کردند - کارها زیاد بود، یعنی برنامه زیاد بود - اینکه قشر جوان را، در مفاصد را به روی آنها باز کردند. در همه شهرها، خصوصاً تهران که بیشتر از همه جا مورد نظر بود، آن جاهایی که جوان اگر برود، در آن فاسد می‌شود، درهای آن باز بود به روی آنها. تبلیغات هم از همه طرف.^۱

۵. وابستگی و ناتوانی در برابر اجانب

یکی از مشکلات دوران پهلوی، وابستگی حکومت پهلوی به قدرت‌های خارجی و ناتوانی در برابر سیاست‌های آنان بود که از بین رفتن استقلال کشور را در پی داشت. امام خمینی علیه السلام از همان ابتدای فعالیت خود به استقلال و عدم وابستگی کشور حساسیت فراوانی داشت؛ به همین منظور به بیان مسائلی پرداخت که نشان‌دهنده وابستگی حکومت پهلوی به بیگانگان بود.

امام خمینی علیه السلام استقرار حکومت هر دو شاه پهلوی را با اراده بیگانگان می‌دانست که برای خدمت به آنان بر امور کشور مسلط شده بودند. از نظر ایشان رضاخان مأمور بود تا از جانب انگلستان با مؤلفه‌های قدرت ایران مبارزه کند: «تا آنکه رضاخان را برای این خدمت، یافته و او را به قدرت رساندند و او با این سه عامل [قشر مذهبی، مرجعیت دینی و زنان] به پیکار سرسختانه پرداخت».^۲

رهبر کبیر انقلاب، سلطنت محمدرضا پهلوی را امری تحمیلی از سوی بیگانگان معرفی کرد و نسبت او با رئیس‌جمهور آمریکا را نسبت بچه مکتبی در برابر معلمش توصیف می‌کرد و از آن به عنوان یکی از خاطرات تلخ خود از روزگار پهلوی به یاد می‌کرد.^۳

این وابستگی در نگاه امام خمینی علیه السلام تا آنجا پیشرفته بود که دولت‌های بیگانه انگلستان،

۱. همان، ج ۱۱، ص ۳۹۶.

۲. همان، ج ۱۶، ص ۱۹۳.

۳. همان، ج ۱۱، ص ۳۲؛ نیز: ج ۱۲، ص ۴۰۱-۴۰۲.

آمریکا و شوروی در طول حکومت پهلوی لیست‌هایی از اسامی وکلا تعیین می‌کردند تا افراد مدنظرشان را به مجلس بفرستند و در عمل انتخابات مجلس در ایران را بی‌فایده کرده بودند.^۱ در نگاه امام راحل، ثمره وابستگی در قراردادهای اقتصادی میان ایران و کشورهای بیگانه روشن می‌شد که در آن منفعت فراوانی نصیب آن کشورها می‌شد و سود معقول برای کشور دربر نداشت:

«الان قراردادهایی که با این ممالک بزرگ کردند، پیش این حکومت ما محیرالعقول است که این چه جور قراردادهایی هست. می‌گویند این قراردادها جوری است که ما هر طرفش را بگیریم، ضرر دارد.^۲»

درواقع این قراردادها خدمتی به بیگانگان بود که پول نفت ایران کشور را تبدیل به پایگاه نظامی خود کرده بودند؛ اما تمام اینها به اسم خدمت به مردم معرفی می‌شد.^۳ نمود بارز این وابستگی را می‌توان در تجهیز نیروهای نظامی ایران مشاهده کرد که برای سرکوب اعتراض‌های مردمی استفاده می‌شد؛ زیرا با اتکا به قراردادهای نفتی تجهیزات فراوانی وارد ایران شده بود که حکومت از آن برای خاموش کردن صدای معترضان بهره می‌گرفت؛^۴ اما هنگامی که در شهریور ۱۳۲۰ قوای متفقین به ایران هجوم آورد، حکومت پهلوی حتی چند ساعت نیز نتوانست از ایران در برابر بیگانگان دفاع کند.^۵

۶. بیان نقش عالمان در مبارزه با استبداد پهلوی و ارائه الگو

امام خمینی علیه‌السلام در بیان تاریخ عصر پهلوی به اعتراض‌ها و مبارزه‌های عالمان و روحانیان با استبداد پهلوی توجه دارد^۶ و فرازهایی از کوشش‌های عالمانی چون سیدحسین طباطبایی قمی معروف به حاج‌آقا حسین، شیخ عبدالکریم حائری، سیدحسن مدرس، میرزامحمد کفایی معروف به آقازاده، سیدمحمدعلی انگجی و آقا نورالله نجفی در مقابله با ظلم حکومت را برای

۱. همان، ج ۵، ص ۶۱-۶۲ و ص ۳۱۷.

۲. همان، ج ۷، ص ۳۹۰.

۳. همان، ج ۱۱، ص ۳۲.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۱۵؛ نیز: ج ۶، ص ۵۱۲.

۵. همان، ج ۱۲، ص ۴۰۱؛ نیز: ج ۱۷، ص ۱۴۳-۱۴۴.

۶. همان، ج ۷، ص ۴۵.

مردم بیان می‌کند.^۱

رهبر کبیر انقلاب علیه السلام ضمن تجلیل از مبارزه‌های تمامی عالمان عصر پهلوی، توجه ویژه‌ای به شهید سیدحسن مدرس دارد و از دیدار با او غافل نمی‌شود که مصادف با اوایل قدرت‌گرفتن رضاخان است.^۲ ایشان مسائلی چون ساده‌زیستی، وارستگی، شجاعت، منطق قوی و نقش برجسته شهید مدرس در مجلس و ایستادگی او در برابر رضاخان آن هم در زمانی که هنوز کسی به صورت واقعی به شخصیت رضاخان پی نبرده بود را از نکات برجسته زندگی شهید مدرس می‌داند و آنها را برای مردم بیان می‌کند.^۳

شاید همین ویژگی‌ها سبب شده بود اندیشه سیاسی بنیان‌گذار انقلاب علیه السلام پیوند بسیار نزدیکی با بینش و اندیشه سیاسی شهید مدرس داشته باشد؛ بر همین اساس ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و کارگزاران دولت، بر توجه به مشی و بینش سیاسی او سفارش و تأکید می‌کرد.^۴

امام خمینی علیه السلام پس از پیروزی انقلاب، در هفتم آذرماه ۱۳۶۴ طی حکمی چاپ تصویر شهید مدرس را بر روی اسکناس تأیید کردند که حکم بدین ترتیب است:

بسمه تعالی

سزاوار است که [بر] اولین اسکناس که در ایران به طبع می‌رسد، عکس اولین مرد مجاهد در رژیم منحوس پهلوی چاپ شود. خداوند رحمت فرماید ایشان را. روح الله الموسوی الخمينی.

۱. همان، ج ۳، ص ۲۴۴؛ ج ۴، ص ۳۶۸-۳۶۹؛ ج ۸، ص ۲۹۴، ص ۴۵۲ و ص ۴۵۸؛ ج ۹، ص ۳۹۹؛ ج ۱۶، ص ۱۳۷.

۲. محسن بهشتی سررشت، «چتر شهید مدرس روی سر همه باز بود»، ص ۱۵؛ حامد عبداللهی، «سه دیدار مهم امام خمینی با شهید مدرس»، ص ۱۱.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۴۴؛ نیز: ج ۴، ص ۳۶۹.

۴. نک به: حمید انصاری، «تکیه‌گاه حرکت سیاسی شهید مدرس مردم بود»، ص ۱۰.

کتاب‌نامه

۱. انصاری، حمید، «تکیه‌گاه حرکت سیاسی شهید مدرس مردم بود»، مجله حریم امام، ش ۲۴۴، ۱۳۹۵ ش.
۲. بهشتی سرشت، محسن، «چتر شهید مدرس روی سر همه باز بود»، مجله حریم امام، ش ۲۴۴، ۱۳۹۵ ش.
۳. پهلوی، محمدرضا، مأموریت برای وطن، تهران: [بی‌نا]، ۱۳۴۷ ش.
۴. سندنامه شماره ۱۴، اسناد ممنوعیت عزاداری محرم در دوره پهلوی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۵. عبداللهی، حامد، «سه دیدار مهم امام خمینی با شهید مدرس»، مجله حریم امام، ش ۲۴۴، ۱۳۹۵ ش.
۶. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، چ پنجم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۹ ش.
۷. _____، کشف اسرار، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۸. همایون کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیس، تهران: پایپروس، ۱۳۶۶ ش.